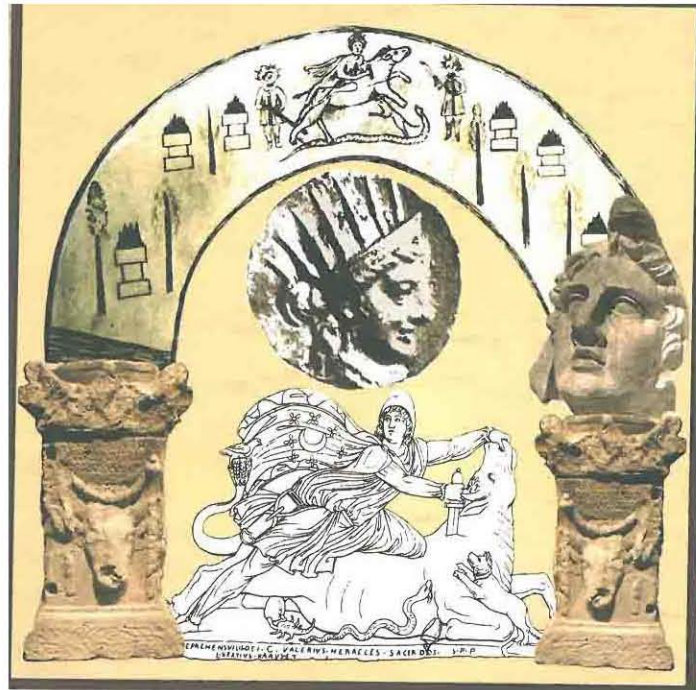


حش مهرگان



می‌تایم مهر دانه دشت‌های پهناور را... او که پس از فرو رفتن خورشید بر پهنه‌ی زمین باز آید. هر دو انتهای این زمین‌دور کرانه و کوی بیکر را دست می‌زند و می‌نگرد به هر آنچه میان زمین و آسمان است. (مهریشت کرده ۲۴ بند ۹۵)

در آیین مهریای میترا (پیش‌تر از عهده هزار سال پیش) به زمین، آسمان و گردش ستارگان توجه بسیار می‌شده است. چنان‌که پیداست میترایان برای نیایش میترا (مهر) روشنائی آسمان دانش بسیار درباره‌ی ستاره‌شناسی داشته‌اند.

در آیین مهر (میترا) مغان برای بزرگ‌نشان دادن خدایان حاتنها کاهوشانی فقیر را قربانی می‌کنند

زرتشت هم از این مردم است که این فکر آرام آرام در او رشد می یابد که باید راهی برای بهتریستن باشد. باید راهی برای نابودی دروغ و پیشرفت راستی یافت.

باید با کتار نیک، پندار نیک و کردار نیک به مبارزه باستم و ستمکاران پرداخت.

ولی روشن است نه مهرپرستان می توانند به آسانی از این پیامبر انقلابی پیروی کنند و نه مردم می توانند بر ترسشان از خدایان چیره شوند.

با این همه تغییر هویت میتراد زمان زرتشت آغاز شده است.

بعد از مردم بر پایه ی آموزش های زرتشت چارپایان خود را قربانی نمی کنند ولی میتراد با هویتی نو و پیام و رسالتی دیگر به صورت یکی از ایزدان برای خود نگه می دارند.

در دوره هخامنشیان با این که تاکید بر وجود خدای یگانه (اهورامزدا) بود

ولی آزادی در برگزاری آیین های دینی بوده است.

راه یافتن میتراد مغرب زمین پیش تر در زمان اسکانیان بوده است

و میتراد زمان ساسانیان پیش تر از هر زمان دیگری دگرگون شد. در این دگرگونی مهر یکی از ایزدان بزرگ و نگهبان راستی است.

همچنین در گاهشماری ایران باستان سال را دو فصل برابر کرده بودند و در آغاز هر فصل جشن با شکوهی برگزار می کردند. فصل اول تابستان و فصل دوم زمستان بود. جشن آغاز تابستان نوروز بود و جشن آغاز زمستان یسراکانا (یسراگان) بوده است.

هر روز همراه (شانزدهم همراه) مهرگان کوچک بود و در ام روز (یست و یکم همراه) مهرگان بزرگ نامیده می شده و جشن بزرگان بوده است.

همچنین درباره می پیدایش مهرگان گفته اند که سبب این جشن آن است که فرشتگان به یاری فریدون آمدند و فریدون بدست کاوه بر ضحاک پیروز شد و او را در بند کرد و به کوه دماوند زندانی نمود و مردم از بدی او درمان و آسوده شدند.

فردوسی هم در همین باره چنین آورده است:

ندانست جز خویشتن شریار

فریدون چو شد بر جهان کامگار

یار است با کلخ شاهشاهی

به رسم کیان تاج و تخت می

به سر بر نهاد آن کیانی کلاه

به روز خسته سر همراه

بکوش و به رنج ایچ منهای چهر

کنون یادگار است از او ماه مهر

و نیز گفته شده است خداوند در این روز زمین را بکست و دوش را برابر ای آن که جای روان باشند بیافرید

وبازگویند: در این روز بود که خداوند ماه را که گره ای سیاه و بی فروغ بود فروغ بخشید.

آن چه دانسته و دریافت می شود این است که روزگاری ایران ما گرفتار بیدادی بزرگ بوده است و پس از رهایی از این بیداد، روز رهایی را جشن گرفته است. از اینرو این جشن را می توان جشن بازیافتن آزادی ایران و رهایی از بیداد ستمگران دانست. می توان آن را جشن پیروزی نیکی بر بدی، روشنائی بر تاریکی و داد بر ستم دانست. می توان آن را جشن خورشید دانست که به راستی پرورنده ی آدم، چارپای و گیاه است.

پس از ساسانیان بیش تر جشن هائی که در ایران زمین برگزار می گردید فراموش شد ولی مردم با برگزاری جشن مهرگان در کنار یکدیگر ماندند و نشان دادند

با همه ی بی توجهی به خواست و هدف مردم می توان از هویت ملی و فرهنگی دفاع کرد.

دباره مهرگان و موسیقی برخی از سرودها و ترانه های مهرگان می تواند به دستگاه موسیقی ایرانی راه یافته باشد. چنان که در

برهان قاطع می خوانیم: مهرگان بزرگ نام مقامی است از موسیقی که آن را بزرگ خوانند.

جشن مهرگان به ایرانیان فرخنده باد

آناپتا پور کریمی

مهر روز و همراه (جشن مهرگان) ۱۳۹۶ خورشیدی